

قهر معلمی

منش معلمی و ارتباط میان فردی

دکتر لیلا سلیقه‌دار

معلم و جویشرگر تعلیم و تربیت

شما چگونه فردی هستید؟!

روی سؤالات زیر تأمل کنید و با توجه به شرایط خود پاسخ دهید:

- در ماه‌های اخیر با کسی قهر کرده‌اید؟
- در کل تا چه اندازه اهل قهر کردن هستید؟
- دوستی جدیدی را آغاز کرده‌اید؟
- معمولاً شما برای دوستی تازه قدم اول را برمی‌دارید؟
- در دوستی‌های جدید تا چه اندازه صمیمی می‌شوید؟
- تاریخ تولد یا رخدادهای مهم زندگی دوستان یا اطرافیان را می‌دانید و نسبت به آن‌ها واکنش نشان می‌دهید؟

پاسخ به این سؤالات تا حد زیادی نشان می‌دهد وضعیت شما در مهارت ارتباطی مرتبط با دیگران چگونه است. به نظر شما ویژگی‌های فردی معلم تا چه اندازه می‌تواند بر حرفه او تأثیر بگذارد؟

در ادامه، با بررسی یکی از ویژگی‌های یادشده، ارتباط آن را از نگاه منش معلمی بررسی می‌کنیم:

منش معلمی

معلمی از جمله حرفه‌هایی است که در عین پیچیدگی زیاد، بسیار ساده و روشن است، زیرا از مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیات معلمی، ارتباط است. یعنی اگر راه‌های ارتباط میان فردی و البته بخشی هم درون فردی را بدانی، احتمال اینکه معلمی موفق، تأثیرگذار و راهبر باشی، بسیار زیاد است.

در جایی دیگر به موضوع ارتباط درون فردی در معلمی خواهیم پرداخت، اما این نوشته با زبانی ساده و در عین حال از دریچه‌ای تازه به ارتباط میان فردی می‌پردازد.

قهر و آشتی، نشانه‌ای ناخوب در ارتباط میان فردی

برای کسانی که اهل قهر و آشتی‌های دائمی هستند، معمولاً اتفاقاتی پیش می‌آیند که به اصطلاح به آن‌ها برمی‌خورد و زود دلگیر و ناراحت می‌شوند. این افراد راه حل را در قهر کردن می‌بینند و به نوعی پاک کردن صورت مسئله را بر حل آن ارجح می‌دانند. به همین دلیل، در هر زمانی یا در قهر با دیگری هستند یا برای قطع رابطه با دیگران آمادگی کامل دارند!

هرچند ممکن است در برخی مواقع جدایی و قطع ارتباط مناسب باشد و توصیه شود، اما این اقدام بسیار نادر و در موقعیت‌های خاصی است و در غیر از آن نشانه کمبود و ضعف مهارتی در مدیریت رابطه قلمداد می‌شود.

حالا تصور کنید معلمی به دلایلی گوناگون با دانش آموز یا دانش آموزان کلاسش قهر کند. ممکن است دلیل این کار درس نخواندن بچه‌ها، بی‌توجهی به انتظارات مربوط به آن‌ها، انجام ندادن تکلیف یا سر و صدا در کلاس و دیگر موارد مشابه آن باشد. به نظر شما این کار معلم تا چه اندازه تأثیر مثبت در پی

دارد؟ آیا به صورت کلی قهر کردن معلم یک رفتار و اقدام تربیتی است یا دقیقاً ضد تربیت محسوب می‌شود؟

دانش آموزان در کلاسی که معلم عادت به قهر کردن دارد، معمولاً شرایط و موقعیت‌های زیر را تجربه می‌کنند:

- برخی دانش آموزان احساس عذاب وجدان پیدا می‌کنند؛ حس خوب نبودن. به همین دلیل از شادابی آن‌ها کاسته می‌شود و به طور مداوم از اینکه می‌باید معلم از آن‌ها دلخور شود نگران خواهند شد. طبیعی است، این اتفاق باعث کاهش اعتماد به نفس می‌شود و خودارزشمندی و حس کفایت را در آن‌ها خدشه‌دار می‌کند.
- اغلب نوجوانان در رابطه با معلمی که عادت به قهر کردن‌های مداوم دارد، از اعتمادشان کاسته می‌شود. توانایی این قبیل معلمان در نظر دانش آموزان غیر قابل اتکاست و به مرور و کم‌کم او را نادیده می‌گیرند و نسبت به فعالیت قهرآمیز او واکنش سازنده نشان نمی‌دهند.

ارتباط میان چنین معلمی با دانش آموزان بسیار دور از منطقی و عاطفه سالم است. هر چند این قبیل رفتارها برای دانش آموزانی که زمینه و تجربه‌ای در این باره دارند و آسیب‌دیده هستند، قابل قبول است، اما برای اکثریت معنایی نادرست با هویت و ماهیت معلمی دارد و تمام قواعد معلم و شاگردی را به هم می‌ریزد.



ارتباط بین فردی

فرآیندی است که به وسیله آن اطلاعات و احساسات خود را از طریق پیام‌های کلامی و غیر کلامی با دیگران در میان می‌گذاریم. این توانایی می‌تواند رابطه سالم و سازنده با دیگران را تقویت کند.

تجربه معلمی

پرسیدم، متوجه شدم معلم عزیز با دانش‌آموزان قرار گذاشته است تنها با دانش‌آموزانی که از نظر درسی قوی هستند، در ساعت تفریح مرادوه داشته باشد. به ظاهر اقدامی تشویقی می‌نمود، اما در واقع نوعی تنبیه برای اکثریت بچه‌ها و رفتاری قهرآلود بود. این کار حس ناکامی را در تعداد زیادی از دانش‌آموزان سبب شده بود. معلم با کسی قهر نبود، اما در عین حال، نشان دادن توجه خاص به عده‌ای دیگر، نوعی احساس بی‌مهری و بی‌توجهی را در بقیه ایجاد کرده بود و نتیجه آن قطع امید از این کلاس و معلم بود. وقتی با خودشان طرح موضوع کردم، بهانه آوردند که جای دیگری این کار جواب داده و بهتر است به این رفتار ادامه دهند (که البته ممانعت به عمل آمد). بعدها که بیشتر با هم دوست شدیم، اقرار کرد در مدرسه دیگر، به خاطر رفتارهای قهرآمیز زیادش مورد انتقاد مدرسه و فشار دانش‌آموزان و والدین قرار گرفته بوده و دلیل انتقالش به مدرسه همین بوده است.

همکاری داشتیم که تدریس فیزیک را عهده‌دار بود. معمولاً به دلیل سخت و پیچیده بودن درس، دانش‌آموزان چندانی از این کلاس استقبال نمی‌کردند، ولی سالی که این همکار به جمع ما اضافه شد، اوضاع بدتر هم شد. تقریباً بالای نود درصد بچه‌ها شاکی بودند و افت زیادی هم در این درس داشتیم. این در حالی بود که معلم جدید بیشتر ساعت تفریح در حیاط مدرسه و در کنار دانش‌آموزان بود و چنین رفتاری تحسین مدیر و دیگر همکاران را به همراه داشت.

به‌عنوان مشاور مدرسه تصمیم گرفتم شرایط کلاس را بررسی کنم تا راهی برای رفع این مسئله پیدا کنیم. در میان اکثریت شاکی، اقلیتی هم بودند که با فعالیت‌های کلاس همراهی می‌کردند و حال یادگیری‌شان خیلی بد نبود. با چند نفری از این گروه صحبت کردم و احساس و برداشتشان را از کلاس فیزیک

قهر معلمی در تربیت دانش‌آموز

مهارت‌ورزی دانش‌آموزان در ایجاد ارتباط میان فردی و توجه معلم بر این امر ضرورتی انکارناپذیر است. با این نگاه، نوع رابطه معلم با دانش‌آموزان نه تنها در ارتباط بین آن‌ها اثرگذار است، بلکه می‌تواند مهارت ارتباطی فراگیرندگان را نیز تقویت یا تضعیف کند. بدین سبب است که نمی‌توانیم رفتارهای مرتبط با ارتباط را در خصوص معلمان در موارد شخصی آن‌ها دسته‌بندی کنیم. این بهانه که «من این طوری هستم»، «دست خودم نیست» یا «نمی‌توانم خودم را تغییر دهم»، به هیچ عنوان در منش معلمی قابل قبول و مورد تأیید نیست. تمام آن بخش از رفتار معلم که در مدرسه و در رابطه با دانش‌آموزان قابل دریافت است، در طبقه رفتارهای تربیتی قرار دارند. به همین علت ضروری است معلم آن را یکی از شایستگی‌های حرفه‌ای خود بدانند و در تقویت آن بکوشند.

می‌دانیم از طریق ارتباط است که می‌توانیم نظر، عقاید، خواسته‌ها، نیازها و هیجان‌های خود را ابراز و نیازهای دیگران را درک کنیم و به هنگام نیاز بتوانیم از دیگران درخواست کمک و راهنمایی کنیم. همچنین، توانایی روابط بین فردی کمک می‌کند با دیگران همکاری بهتری داشته باشیم، به آن‌ها اعتماد کنیم، مرزهای روابط را تشخیص دهیم، دوستی‌های مطلوب را آغاز و حفظ کنیم و در شروع و خاتمه ارتباطات به‌طور مؤثرتری رفتار کنیم.

زمینه تمرین و کسب تجربه این مهارت برای دانش‌آموزان در طول تحصیل و در مدرسه مهیا می‌شود و به همین دلیل علاوه بر اهمیت رابطه متقابل معلم و دانش‌آموزان،